

سلام به همه دوستان

با توجه به مشکلاتی که داشتم از زمان ثبت نام در این سایت موفق به بازدید نشدم. در کل به نظرم سایت خوب و مناسبی است. از امروز شروع به قرار دادن مطالب در حد توان و دانشم مینمایم. امیدوارم برای دوستان مفید باشد. در ابتدا خلاصه ای از کتاب Come into my trading room که توسط دکتر الدر نوشته شده و یکی از کتابهای خوب در زمینه روانشناسی محسوب میشود. اصولاً به نظرم روانشناسی یکی از قسمتهای مهمی است که کمتر به آن توجه میشود.

نوشته های این مبحث برداشت آزادی از کتاب دکتر الکساندر الدر، come into my trading room است و سعی شده است که مطالب کتاب دکتر الدر همراه با تجربیات شخصی به زبان ساده و کاملاً عملی برای فارکس بیان شود .

3M

تریدرهای موفق به سه M احتیاج دارند Mind, Method and Money. روشهای روانشناسی و دیسیپلین است که شما را در شلوغی بازار آرام نگه میدارد Method، روش تحلیل و سیستم شماست و Money مدیریت سرمایه تان است تا شما فقط قسمت کوچکی از حسابتان را ریسک کنید . بسیاری میپرسند که آیا میتوان تریدر موفق شد؟ به نظر من شما میتوانید تریدر موفق شوید. دیگران توانسته اند و هنوز هم کسانی هستند که موفق میشوند. کسانی که موفق نمیشوند یا از دانش کافی بهره نمیبرند و یا دیسیپلین ندارند.

مرد یا زن؟

تعداد آقایان تریدر حدوداً ۲۰ برابر خانمهاست هرچند این تعداد به سرعت به سمت برابری حرکت میکند. نکته جالب توجه اینست که درصد تریدرهای موفق میان زنان بیشتر از مردان است. خانمها کمتر تکبر دارند، خصوصیتی که در تریدر گناه بزرگی محسوب میشود. ضمیر مردانه – که مسئول بسیاری از مخاطرات و کشتارها و خونریزی هاست- در تریدر درگیر است. آقایان نمودارها را تحلیل میکنند و پوزیشن میگیرند و پوزیشنشان باید درست باشد. اگر بازار به سمت دلخواهشان رفت، او منتظر می ماند که بیشتر و بیشتر خودش را ثابت کند و اگر بازار به جهت دیگر برود، نفس چقرش او را وادار میکند که ضرر را تحمل کند و منتظر میماند که بازار برگردد و درستی نظرش را اثبات کند .

اما خانمها بیشتر بدنبال جواب این سوالند: پول کجاست؟ هدف آنها سود کردن و ضرر نکردن است. آنها کمتر بدنبال اثبات کردن خودشان هستند. آنها مانند ترکه ای که با باد خم میشود، انعطاف پذیرند؛ سوار بر ترند میشوند و کمی زودتر پیاده میشوند و سودشان را به حسابشان میریزند. داشتن روزنگار و ثبت ترید از مهمترین ملزومات پیشرفت است. در اینکار هم خانمها دقیقتر و منظمتر عمل میکنند.

سرمایه گذاری؟ ترید؟ قمار؟

این سه راه در جنگل بازارهای مالی وجود دارد. هر کسی میتواند یک راه را انتخاب کند و به پیش برود. در هر راه هم گنجینه هست و هم خطر. سرمایه گذاران معمولاً از راه ساده و کم خطرشان سالم (و گاهی ثروتمند) بیرون می آیند. راه ترید راهی به قلب این جنگل انبوه است. اکثر روندگان این راه ناپدید میشوند اما نجات یافتگان ثروتمند بیرون می آیند. راه سوم هم میان بری به درون باتلاق است .

بنا به طبیعت فارکس سرمایه گذاری آنچنان که در بازار سهام مرسوم است، وجود ندارد . ترید یعنی سود بردن از نوسانات کوچک بازار. ایده ساده است اما عملی کردن آن مشکل. تحلیلگر خوب شدن مشکل است اما از آن مشکلتر تریدر خوب شدن است. خوب به خاطر دارم زمانی که تازه ترید را شروع کرده بودم، تحلیلهایم درست بود اما تریدهایم با ضرر بسته میشد! آنجا بود که به نقش دو عامل دیگر یعنی روانشناسی و مدیریت سرمایه پی بردم .

دو روش اصلی ترید وجود دارد: مومنتم و کانترا ترند. در روش مومنتم، به محض ایجاد موج وارد میشویم و زمانی که احساس میکنیم که موج در حال ضعیف شدن است، بیرون می آییم. زمانی که یک موج ایجاد میشود، آماتورها به پوزیشنشان می چسبند و حرفه ای ها بازار را بررسی میکنند. آماتورها آنقدر با پوزیشنشان می مانند تا روند کاملاً برگردد اما حرفه ای ها پیش از برگشت روند، از بازار بیرون می آیند .

روش دوم روش ترید خلاف روند است که تازه کارها را بسیار به خود جذب میکند (بخیریم. از این پایینتر نمیتواند بیاید!). هر دو روش دو جنبه مختلف روانشناسی جمعند .

پیش از ورود به یک پوزیشن مطمئن باشید میدانید که کدام نوع تریدر هستید و تا آخر به انتخابتان وفادار بمانید.

گامهای نخستین

ترید با دادن وعده آزادی، فردایی روشن را پیش چشمانمان میگشاید. اگر بدانید که چگونه ترید کنید در هر نقطه ای از دنیا نیتوانید کار و زندگی کنید، از سختی مصون باشید و به کسی پاسخگو نباشید. ترید اکثر افراد با هوش بیش از متوسط را که ریسک پذیری دارند به سوی خود میکشاند. اما توجه داشته باشید که :

-ترید به شما استرس وارد میکند. پس برای رهایی از استرس باید سیستم روانشناسی خوبی داشت .

-ترید ذهنتان را به چالش میکشاند. پس باید تحلیل درستی از بازار داشت .

-ترید ریاضیات خوب میطلبد. کسی که از دانش ریاضی بهره ای نبرده، نمیتواند ریسکش را مدیریت کند.

اندازه مهم است

میزان سرمایه گذاری در بازار مهم است. تردید کردن با سرمایه کم مثل خلبانی در ارتفاع بسیار کم است. فرصت فکر کردن و محل مانوری وجود ندارد و کوچکترین اشتباه به سقوط منجر میشود. تردیدی که حساب بسیار کوچکی دارد نمیتواند تمرکز بالایی داشته باشد. البته با رعایت دقیق اصول مدیریت سرمایه میتوان با چند صد دلار هم به نتایج خوبی رسید.

چند جفت ارز؟

چند جفت ارز؟

اینکه چند جفت ارز را بررسی کنیم مساله ای کاملاً شخصی است. تردید حرفه ای میتواند چندین جفت ارز را بررسی کند اما تردید تازه کار و تردیدی که شغل تمام وقت دیگری دارد نباید بیش از دو جفت ارز را تحت نظر بگیرد. مطمئن باشید اگر یاد بگیرید روزانه تنها ۲۰ پیپس از همین دو جفت ارز سود بگیرید، میتوانید زندگیتان را با تردید تامین کنید.

تحلیل و تردید

بسیاری از کسانی که ضرر میکنند، تحلیلشان را مقصر میدانند و میگویند اگر چیزهای بیشتری را در تحلیلمان در نظر گرفته بودیم اما تحلیل گاهی تردید را فلج میکند .

تحلیلگران باید درست پیش بینی کنند اما تردیدها باید سودده باشند. هدف این دو گروه کاملاً متفاوت است. در بانکها و موسسات این دو گروه در دو قسمت و اداره مجزا کار میکنند اما چنین امکانی برای تردیدهای خصوصی مهیا نیست. تحلیلگر فقط جهت بازار را تشخیص میدهد اما تردید باید بدانند چه زمانی و کجا وارد و خارج شود تا سودده باشد.

3M برای موفقیت

حرفه ای ها منتظر فرصتند اما آماتورها ناگهان پاره‌نه وسط بازار می‌پروند! آنها آنقدر خرید و فروش میکنند تا از بازار بیرون بیفتند . تحلیل تکنیکی تنها زمانی برایتان مفید است که شما دیسپلین کافی داشته باشید و منتظر تشکیل الگوی مورد نظرتان بمانید. حرفه ای ها تنها و تنها زمانی وارد میشوند که بازار فرصتی طلایی برایشان فراهم نماید . تردید موفق زمانی که الگوی مورد نظرش تشکیل شد، بدون نگرانی و به پشتوانه دانشش وارد میشود و در آرامش منتظر بسته شدن پوزیشنش میشود. اگر با سود بسته شد، آنرا تایید دیگری بر سیستمش تلقی میکند و اگر با ضرر بسته شد، در پی یافتن دلیل ضررش بر می آید. نه بازار و نه کس دیگری را مقصر قلمداد نمیکند، به اعصابش مسلط است و خونسردیش را از دست نمیدهد.

ذهن تردید دیسپلین دار

هرروز تریدرهای زیادی وارد بازار میشوند اما تعداد کمی از آنها موفق میشوند. تنها انگیزه منطقی ترید کسب درآمد است. وقتی تریدر تمرکزش را از این انگیزه منطقی از دست بدهد، کارش ساخته است. کسانی که برای پزدادن، قمار و ... ترید میکنند، بازندگانند. آنها رفتارهای احساسی دارند و احساساتی ها شکست میخورند .

بازندگان اکثراً بروکر، استاد و اتفاقات پیش بینی نشده را مقصر میدانند. اما آیا اینان مقصرند؟

آماتورها مانند کودکانی که بلیت بخت آزمایی میخرند، ترید میکنند. منتظر میمانند تا دیگری درباره سرنوشتشان تصمیم بگیرد. اما حرفه ای ها با برنامه ای که برای ورود و خروج (و بخصوص خروج) دارند، سرنوشتشان را در دست خود دارند .

بهترین زمان برای تصمیم گیری پیش از ورود به ترید است زیرا در زمان هیچ پولی ریسک نمرده اید و میتوانید پارامترهای مختلف سود و زیان را بررسی کنید. به همین علت است که باید استراتژی خروجتان را مکتوب کنید و به آن عمل کنید .یکی از اشتباهات معمول تریدرها، نگه داشتن ترید ضررده است. میخواهند به ترید ضررده فرصت بدهند تا سودده شود! چه خیال خامی. اولین ضرر، بهترین ضرر است - این قانون کسانی است که با چشم باز ترید میکنند .

تریدرهای موفق باهوش، کنجکاو و متواضع هستند. اکثر آنها دوره های زیان هم داشته اند اما با رعایت ۳M از بازار بیرون نیافتاده اند .

بازار تریدرهای طماع را اغوا میکند تا با زیاد کردن لات سایشان سود بیشتری کنند. اتفاقی که اکثراً به نابودی حساب تریدر طماع منجر میشود .

تریدر شدن سفری طولانی به خودشناسی است. وقتی مدت مدیدی ترید میکنی به ضعفهای دورنیت پی میبری: تشویش، طمع، ترس، خشم و تبلی. اما فراموش نکنید که خودشناسی هدف ترید نیست، بلکه محصولی فرعی است. هدف اصلی باید کسب درآمد باشد. سوالات همیشگی تریدر موفق اینست: تارگت من کجاست؟ چگونه باید از سرمایه ام محافظت کنم؟

تریدر خوب مسولیت کامل همه اتفاقاتی را که برای حسابش می افتد میپذیرد و دیگران را متهم نمیکند.

روزنگار

روزنگار ساده ترین راه اجتناب از تکرار اشتباهات گذشته است. اگر از گذشته درس نگیرید محکوم به تکرار آن هستید. تریدرهای موفق هم مانند همه اشتباه میکنند اما نکته مهم اینست که آنها یک اشتباه را دوباره مرتکب نمیشوند .

یکی از چیزهای دیگری که باید ثبت شود، بالانس ماهانه حساب است. نمودار صعودی بالانس حساب بیش از هر چیز دیگری ثابت میکند که شما تریدر موفق هستید و نمودار سایدویز آن زنگ خطری در وجود اشکالی در سیستم شماست.

آموزش برای نبرد

چه میزان آموزش برای شغل‌تان احتیاج است؟ میزان آموزش به نوع کار بستگی دارد. زمان مورد نیاز برای آموزش یک نظافتچی با یک جراح بسیار متفاوت است. تردید بیشتر به جراحی شباهت دارد تا نظافت. دلیل آموزش بیشتر جراح یا خلبان اینست که اشتباه آنها مرگ‌آورتر از اشتباه یک نظافتچی است. در تردید هم اشتباهات تردید از لحاظ اقتصادی برای خودش مرگ‌آور است. جراحی و خلبانی استانداردهای مشخصی دارند و کسانی مراقب جراحان و خلبانان هستند تا از این استانداردها عدول نکنند. اما در تردید این شخص تردید است که باید استاندارد را وضع کند و بر نحوه رعایت آنها نظارت کند.

تردید حتی از جراحی هم سخت‌تر است، زیرا سیستم خود آموز است، سیستم و استانداردهای آن توسط خود استفاده‌کننده تعریف میشود، تست و نظارت بر سیستم بعد از استفاده‌کننده است. چگونه این کارها را انجام دهیم:

- 1- پذیرش تدریجی مسئولیت: دانشجوی خلبانی روز اول نمیتواند بر صندلی خلبان بنشیند و پرواز کند. اما هر تردید تازه کاری میتواند یک حساب ریل باز کند و تردید کند. این عجیب نیست؟
- 2- بازرسی و بهبود مستمر: بهترین ابزار شیب نمودار موجودی حساب‌تان است.
- 3- آنقدر آموزش ببینید تا اعمال‌تان ناخودآگاه شود. دقت کرده اید نسبت به روز اولی که پشت فرمان ماشین مینشینید، چقدر اعمال‌تان ناخودآگاه تر شده است. برای موفق شدن در تردید باید به چنین مرحله ای برسید.

تحلیل تکنیکی

این قسمت از کتاب را نقل نمیکنیم اما خواندن آنرا توصیه میکنیم. دکتر الدر چند اندیکاتور شخصی را هم در این قسمت معرفی کرده است که میتوانید آنها را تست کنید و نتایجشان را ببینید. اکثر این اندیکاتورها در متاتریدر 4 موجود است.

تردید

شما میتوانید سیستم تردید یا چارتیست باشید. تردید چارتیست است که در زمانهای مختلف با ابزارهای مختلف پوزیشن میگیرد. اما سیستم تردید کسی است که با استفاده از یک سیستم بک تست شده، تردید میکند. در این نقطه آماتورها و حرفه‌ای‌ها از جدا میشوند. آماتورهای که از سیستم مکانیکی استفاده میکنند یا سیستم را روی خلبان خودکار تنظیم میکنند و هیچکدام از پارامترها را بررسی و اصلاح نمیکند یا گاهی به سیستم اعتماد میکنند و گاهی نمیکند. هر دو این روشها حاصلی جز ضرر ندارند.

اما حرفه‌ای‌ها مانند عقاب مراقب سیستمشان هستند و دائماً از بازخوردهایی که از سیستم میگیرند در بهبود آن استفاده میکنند.

تست سیستم

پیش از استفاده از هر اندیکاتور، قانون یا روش جدید در سیستم‌تان باید آنرا یک تست کنید. وقتی مطمئن شدید که نحوه کار با اندیکاتور جدید را میدانید، روی چارتان تا جایی که ممکن است به عقب بروید. سپس شروع کنید کندل به کندل سیستم را به جلو بیاورید. در جایی که سیستم‌تان سیگنال میدهد، نقاط بازکردن، خروج با ضرر و تارگت را ثبت کنید (ثبت تاریخ و ساعت هم مفید است)، سپس کندل به کندل جلو بروید تا استاپ یا تارگتتان بخورد. سود یا زیان را یادداشت کنید و اینکار را آنقدر ادامه دهید تا حداقل ۶۰ ترید داشته باشید. مطمئن باشید در حین یک تست میتوانید نکات جالبی از تریدهایتان بیرون بکشید و سیستم‌تان را کامل تر کنید مثلاً اگر قیمت با گپ باز شد، چه بکنم؟ تریلینگ استاپ داشته باشم یا نه؟ چه روزهایی و چه ساعاتی ترید نکنم؟ و ... در نهایت ببینید درصد تریدهای سودده تان چقدر است؟ میانگین سود و زیانتان چقدر است؟ حال سیستم را بهینه کنید و ۶۰ ترید دیگر با قوانین جدید انجام دهید. وقتی درصد تریدهای سودده تان و میانگین سودتان راضی کننده بود به مرحله بعد بروید...

ترید دمو

در این حالت حداقل یکماه روی یک حساب دمو با رعایت کامل قوانین ترید کنید. برای عدول از قوانین ترید جریمه بگذارید (مثلاً انجام ۶۰ یک تست جدید). اگر در این مرحله هم سیستم خوب جواب داد، یکماه هم در لات سایز پایین در حساب واقعی ترید کنید. سوددهی این مرحله تأییدی بر سیستم و توانایی شما برای ترید آن است. به لات سایز اصلی خود (که در آن اصول مدیریت سرمایه رعایت شده باشد) بروید و از بیپ هایتان لذت ببرید.

انواع اندیکاتورها

اندیکاتورها را به سه دسته کلی میتوان تقسیم نمود :

اندیکاتورهای تابع روند. این اندیکاتورها به شناختن روند کمک میکنند. میانگین متحرک و خطوط MACD و سایر اندیکاتورهایی که با افزایش قیمت بالا رفته، با کاهش آن پایین می آیند و با سایدوی رفتن آن فلت میشوند، از این دسته اند .

اسیلاتورها به یافتن نقاط برگشت کمک میکنند. باندهای بولینجر و استوکستیکس، نمونه هایی از اسیلاتورها هستند .

سایر اندیکاتورها هم اندیکاتورهایی هستند که سطوح صعودی یا نزولی بودن بازار را تعیین میکنند .

گروههای مختلف اندیکاتورها، سیگنالهای مختلف میدهند و گاهی این سیگنالها با هم در تضاد است. برای مثال اندیکاتور دنباله رو روند سیگنال خرید میدهد اما اسیلاتور سیگنال فروش. یکی از خطرات محتمل افتادن بدام اندیکاتورها و دنباله روی از اندیکاتور نیست که سیگنالش مورد علاقه مان است. تریدر باید سیستمی داشته باشد تا تمام انواع اندیکاتورها را بررسی کند و بر طبق آن سیستم تصمیم بگیرد.

انواع تایم فریم ها

مانند اندیکاتورها، تایم فریمها هم ناهمخوانی دارند. میانگین متحرک در تایم فریم روزانه سیگنال خرید میدهد اما در تایم فریم H ۱ سیگنال فروش. چه باید کرد؟

آماتورها ساده ترین کار را انجام میدهند: تنها با یک تایم فریم کار میکنند .

یکی از روشها برای بررسی وسیعتر بازار، سیستم سه صفحه ای است. در این سیستم به جای بررسی تنها یک تایم فریم ترکیبی از سه تایم فریم است به این شکل که :

تایم فریمی را که با آن بسیار راحتید انتخاب کنید (صفحه میانی). این صفحه اول شماست. برای مثال H. ۱ این مقدار را در ۴ یا ۵ ضرب کنید تا صفحه بلند مدتتان بدست آید (در اینجا ۴). (H) تایم فریم کوچکتر هم (در اینجا M15) در تایم فریم بلند مدت جهت بازار را پیدا میکنیم و با کمک دو تایم فریم دیگر زمان دقیق ورود به پوزیشن را.

روانشناسی

تریدرهای موسسات به این دلیل ترید میکنند که حقوق میگیرند تا ترید کنند. اما تریدرهای خصوصی به دلایل شخصیشان ترید میکنند. دلایلی که برخی از آنها منطقی و برخی غیر منطقیست .

مانند هر بیزینس دیگری، تنها دلیل منطقی ترید کردن، کسب درآمد است. هرچند برخی دیگر نیازهای صاحبان بیزینس هم مرتفع میشود اما پول نقش اصلی را در این میان بازی میکند. تریدرهایی که دچار سرخوشی میشوند، توجه شان از پول منحرف شده و پا برهنه وسط بازار میپزند. اینان بازندگان هستند .

تریدرهای موفق سیستمها و الگوهای مختلف را تست میکنند، ریسک و سود را اندازه میگیرند و بر ساختن حسابشان تمرکز میکنند.

برنامه روزانه

ترید حرفه ای به معنای آماده باش بودن در ساعات مشخصی است. این ساعات در فارکس معمولاً از حدود ظهر به وقت تهران آغاز شده و تا ۷-۸ عصر ادامه دارد. در این ۸ ساعت در بسیاری از اوقات تریدر کاری برای انجام دادن ندارد. به یاد داشته باشید که جایی گفتیم که: "ترید خسته کننده است". تریدر حرفه ای در زمان ترید معمولاً از جدول زمانی مشخصی تبعیت میکند. اینکار هم برنامه روزانه او را منظم میکند و هم تمرینی برای افزایش دیسپلین است .

روز تریدتان باید نیم تا یکساعت پیش از اولین تریدتان آغاز گردد. در این زمان نگاهی اجمالی به اخبار بیاندازید، حرکت جفت

(جفتهای) ارزی را که دنبال میکنید بررسی کنید و سعی کنید ادراکی از بازار داشته باشید .

زمانی که پوزیشنی میگیرید، کاملاً آنرا تعقیب و مدیریت کنید. البته این به معنای زل زدن به صفحه مانیتور نیست. بلکه برای هر حرکتی چه در جهتتان و چه در خلاف آن برنامه داشته باشید .

اگر پوزیشن بازی ندارید، مقداری تحقیق کنید، مطالب جدید بخوانید و به دانشتان بیاموزید. فراموش نکنید که تریدر موفق شدن یک سفر است و مقصد نیست. به محضی که بازار سیگنال خرید یا فروش میدهد، همه چیز را متوقف کنید و به مدیریت پوزیشن برگردید .

حتی میتوانید یک تردمیل یا دوچرخه ثابت در اتاق تریدتان داشته باشید. فراموش نکنید که عقل سالم در بدن سالم است.

فرمول های مدیریت سرمایه

برای چه ترید میکنید؟ پول یا لذت؟ پاسخ ندهید. رکورد تریدتان را نشان دهید. پاسخ آنجاست. کسانی که برای پول ترید میکنند، به آن میرسند. شیب بالانس حسابشان نشان میدهد. اغلب مردم ترید را برای کسب درآمد شروع میکنند اما خیلی زود آنرا تفریحی جذاب می یابند و با فراموش کردن هدفشان به قمار روی می آورند. اینها برای جلب توجه یا فرار از روزمرگی ترید میکنند. به تعداد تریدرها دلیل برای ترید کردن وجود دارد اما فقط یک دلیل دلیلی خوب و حقیقی است: کسب درآمد .

این قسمت شما را با آخرین M لازم برای ترید آشنا میکند. money management :

هر کسی میتواند در یک ترید یا چند ترید متوالی سود ببرد. حتی در یک کازینو هم چنین احتمالی دور از عقل نیست. در بازارهای مالی تقریباً هر کسی میتواند یک یا چند ترید خوب داشته باشد اما تعداد معدودی میتوانند موجودی حسابشان را افزایش دهند . مدیریت سرمایه کشتی نجات تریدرهاست. گاهی آنرا هنر میخوانند و گاهی علم میدانند اما در واقع ترکیبی از هر دوست. هدف مدیریت سرمایه، افزایش سرمایه با کمینه کردن ضرر در تریدهای ضررده و بیشینه کردن سود در تریدهای سودده است. وقتی چراغ عابر پیاده سبز میشود، شما پیش از عبور از خیابان به چپ و راست نگاهی می اندازید زیرا همیشه ماشینهای بی احتیاطی پیدا میشوند که چراغ را رد کنند. وقتی سیستمات سیگنال داد، مدیریت سرمایه نقش این نگاه را ایفا میکند. مهم نیست سیستمات چقدر خوب عمل کند، مدیریت سرمایه همیشه برای سوددهی مکرر مفید است .

پدری را میشناسم که پسر نوجوانش را برای مدیریت سرمایه تربیت میکرد. هر شنبه با هم به میدان اسب دوانی میرفتند و به پسرش ۱۰ دلار بعنوان سرمایه آن روز میداد. این پول هم پول نهار بود و هم پول شرط بندی. پدر تمام روز را با دوستانش میگذراند و پسر میتوانست در روز هر کاری با او داشته مگر درخواست پول. پسر باید پیولش را طوری مدیریت میکرد که هم نهار بخورد و هم از شرط بندی روی اسبها لذت ببرد. یاد گرفتن چگونگی شرط بندی رو اسبها (تحلیل تکنیکی)، تقسیم پول (مدیریت سرمایه) و صبر کردن برای بهترین موقعیت شرط بندی (روانشناسی) آن پسر را به یکی از موفقترین مدیران هج فاند با حسابی چند میلیون دلاری تبدیل کرد .

یک سیستم ترید خوب به شما اطمینان میدهد که در دراز مدت درصد تریدهای برنده شما بیشتر از تریدهای بازنده است. اینجاست که مدیریت سرمایه به کمکتان می آید و به حفظ سرمایه تان کمک میکند. اما اگر سیستمان مناسب نباشد، کاری از دست مدیریت سرمایه ساخته نیست .

هر چند درصد سرمایه که از دست بدهید، برای پس گرفتنش باید درصد بیشتری سود کنید. مثلاً فرض کنید شما ۱۰۰۰ دلار دارید و 20% ضرر میکنید، موجودی شما ۸۰۰ دلار میشود اما برای برگشتن به ۱۰۰۰ دلار شما باید 25% سود کنید .

بازار همانقدر صلح آمیز است که جنگ گلائیاتورها. همه میخواهند پول شما را بگیرند - رقبا، بروکر و فروشندگان سیستمها و نرم افزارها. از دست دادن پول آسان است اما بدست آوردنش مشکل .

مدیریت سرمایه دو هدف دارد: بقا و سودآوری . اولویت با بقاست. سپس سودآوری تدریجی و مداوم. تازه کاران اولویتها را برعکس میکنند. برای آنها سودآوری در الویت است و برای آن هرکاری میکنند اما شکست میخورند. با اولویت دادن به بقای در بازار، تمرکز روی مدیریت سرمایه بیشتر میشود . تریدرهای حرفه ای همیشه تمرکزشان بر کم کردن ضرر است و با اینکار سرمایه شان افزایش می یابد.

ورود کسانی که ریاضی نمیدانند ممنوع

زندگی امروز کار را برای کسانی که به حساب کردن بی علاقه هستند راحت کرده است. با افزایش انواع ماشین حسابها و کامپیوتر ما اکثراً دیگر حساب نمیکنیم. اگر کسی بتواند تعداد میهمانان شام را بشمرد یا بگوید بعد از خوردن ۲ نوشابه در بسته ۶ تایی چند نوشابه مانده است، ذهنش را خلاق میشماریم! در زندگی روزمره کار بدون حساب آسان است اما در بازار چنین نیست .

ترید بازی اعداد است. اگر حساب کردن بلد نیستی، تریدر نیستی. البته به جبر و حساب دیفرانسیل احتیاجی نداریم اما حساب را باید خوب بلد باشیم. درصد گرفتن، جمع و تفریق و ضرب و تقسیم جزو اعمال روزانه یک تریدر است .

برای آموختن آنها سعی کنید در زمان بیکاری مقداری حساب کنید. درصد بگیرید. باقی پولتان را حساب کنید و...

ریسک و ضرر تاجر

مثال تاجر میوه را به خاطر دارید؟ گفتیم او روزی چند جعبه میوه میفروخت. اگر به او پیشنهاد جعبه ای از یک میوه جدید میشد، او میپذیرفت . اگر مردم دوست نداشتند و میوه ها فاسد میشد، او فقط یک جعبه را از دست میداد. ریسک کمی که در تجارت مرسوم است: ریسک تاجر .

حالا تصور کنید او به جای یک جعبه از این میوه ناشناخته ۱۰۰۰ جعبه از آن را به یک پنجم قیمت بخرد. اگر بتواند همه آنها را بفروشد، سود بالایی برده است اما اگر میوه ها خراب شوند او تا حد ورشکستگی ضرر میکند .

آن جعبه اول ریسک تاجر است: ریسکی معقول و منطقی. اما این جعبه دوم ریسک ناشی از طمع است: خطرناک و نابود کننده .

هرگاه برای پوزیشنتان استاپ تعیین میکنید یعنی حد دلاری ریسکتان را تعیین کرده اید. حدی که طبق اصول مدیریت سرمایه فقط باید درصد کوچکی از کل سرمایه تان را شامل شود .

اصول مدیریت سرمایه برای بقا در این بازار الزامی اند اما تریدرهای کمی هستند که دیسپلین کافی برای اجرای این اصول را دارند زیرا بازار با همه تریدرها را اغوا میکند تا اصولشان را بشکنند. آیا شما چنین میکنید؟ بازار به دو صورت تریدرها را نابود میکند: ناگهانی و تدریجی. فرض کنید سرمایه شما جانتان است. ممکن است شما جانتان را با یک حمله کوسه از دست بدهید (ضرر در یک ترید بد) یا تدریجاً با حمله پیرانه ها (ضررهای کوچک اما متوالی). راه حل استفاده از قانون ۲٪-۶٪ است .

برای جلوگیری از حمله کوسه هیچگاه بیش از ۲٪ سرمایه را روی یک پوزیشن ریسک نکنید. برای جلوگیری از مرگ بر اثر خونریزی از گاز پیرانه ها هیچگاه جمع کل ریسکتان بیش از ۶٪ سرمایه نشود. یعنی اگر در هر ترید ۲٪ ریسک میکنید حداکثر ۳ پوزیشن باز داشته باشید. زمانی که استاپ یکی از پوزیشنها به نقطه باز کردن آورده شد و پوزیشن بدون ریسک شد امکان باز کردن پوزیشن چهارم فراهم میشود. زمانی هم که جمع ضرر ماهیانه تان به ۶٪ سرمایه رسید، ترید ریل را متوقف کنید و به بررسی مشکل پردازید و ماه جدید را با تفکر جدید آغاز کنید. حد نهایی ضرر هم ۲۵٪ سرمایه است. زمانی که ۲۵٪ سرمایه تان را از دست دادید ترید ریل را کنار بگذارید و به بررسی پردازید و بعد از شارژ حسابتان ترید را ادامه دهید . ممکن است در نگاه اول ۲٪ و ۶٪ اعداد بسیار کوچکی به نظر بیایند اما اگر بدانید که این اعداد در موسسات بزرگ چقدر کوچکترند دیگر غر نخواهید زد: زیر ۱٪ و حدود ۵٪. فراموش نکنید که شرط اول در این بازار بقاست و بعد سود آوری.

اندازه پوزیشن

گاهی ما با اکانت کوچک خوب کار میکنیم اما به محض بزرگ شدن اکانت دچار مشکلات عجیبی میشویم. بهترین راه حل برگشت به لات سایزهای کوچک و کسب اعتماد بنفس برای لاتهای بزرگتر است . مثالی میزنم: چند نفر حاضرند برای گرفتن \$۱۰۰ روی میز راه بروند؟ احتمالاً همه شما. چند نفر حاضرند برای گرفتن \$ 10000 دلار روی همان میز زمانی که بین دو آسمانخراش معلق است راه بروند؟ شاید یکی دو نفر. ترید با حساب کوچک مثل راه رفتن روی میز است. اگر بیفتید فقط چند خراش برمیدارید اما وقتی حسابتان بزرگ است و میز روی هوا معلق است، افتادن از روی آن مثل سقوط از ارتفاع چند صد متریست: نابود کننده.

وقت دارید؟

همانطور که چندین بار گفته شد باید تمام تریدهایتان را ثبت کنید. اگر تعداد تریدهایتان در روز زیاد است، چند تایی را ثبت کنید مثلاً سومین ترید روزانه. اگر وقت برای ثبت تریدهایتان ندارید، برای ترید وقت ندارید. منظم باشید و به سیستم مکتوبتان اعتماد کنید. روزهای ترید خوبی داشته باشید

پایان